



ایلام در دفاع مقدّس یک دژ مستحکم بود ایلام در دفاع مقدّس یک دژ مستحکم بود

بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار دست‌اندرکاران کنگره‌ی شهدای استان ایلام که سی‌ام آبان‌ماه برگزار شده بود، صبح امروز (پنجشنبه) در محل برگزاری این کنگره منتشر شد.

بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار دست‌اندرکاران کنگره‌ی شهدای استان ایلام که سی‌ام آبان‌ماه برگزار شده بود، صبح امروز (پنجشنبه) در محل برگزاری این کنگره منتشر شد.

به گزارش ایسا، متن بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم(۱)

و الحمد لله ربّ العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین.

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز. جدا تشکر میکنم از اینکه این بزرگداشت را اقامه کردید و این حرکت بسیار مفید را انجام دادید. قبل از آمدن به داخل حسینیه دیدم نمایشگاه را؛ خدماتی که انجام گرفته، خدمات بسیار خوبی است. البته از این کارهای جنبی و حاشیه‌ای خیلی در این کنگره‌ها باید انجام بگیرد و ان شاءالله موفق باشید که انجام بدهید.

استان ایلام در دوران دفاع مقدّس، یک دژ مستحکم بود. درست است که بعضی از شهرها و بعضی از مناطق این استان بین دو طرف جنگ، و یک برهه‌ای به دست خبیث منافقین دست به دست شد، لکن این استان مثل کوه، مثل همان قله‌ی میمک - که بنده رفته روی آن قله و از نزدیک دیدم کار رزمندگان عزیزمان را - در مقابل دشمن صدامی خبیث ایستاد. اولاً از همه جای کشور زودتر در معرض جنگ قرار گرفت؛ همان طور که آقایان هم گفتند. دشمن قبل از اینکه به تهران و جاهای دیگر به طور رسمی حمله بکند، به ایلام حمله کرد. اولین شهید هم که همان شهید «شنبه‌ای» (۲) است که ایشان گفتند؛ قبل از شروع جنگ در ایلام به شهادت رسید، یعنی کلّ استان ایلام جزو السابقون در دفاع مقدّس است.

بعد هم حوادث کم نظیری در استان ایلام به وقوع پیوست که متأسفانه مردم خودمان هم خبر ندارند، چه برسد به دیگران و خارج و ملت‌های دیگری که مشتاقند حوادث کشور ما را بدانند؛ آنها که هیچ، حتی مردم خودمان هم از خیلی از این قضایا خبر ندارند. یکی همین قضیه‌ی بمباران مسابقه‌ی فوتبال بچه‌ها است در سال ۶۵ - بیست و سوم بهمن ۶۵ - که این جوانهای ایلامی، دو تیم ایلامی برای بزرگداشت و به یادبود هفتمین سال پیروزی انقلاب، یک مسابقه‌ی ای به این عنوان درست کردند و تعدادی از مردم هم جمع شدند، تماشا میکردند؛ هواپیمای عراقی آمد بالای سر، از نزدیک یعنی با توجه به اینکه اینجا چه [برنامه‌ای] هست - نه اینکه همین طور بمب بیندازند و تصادفاً بخورد به زمین فوتبال؛ نه، با توجه - اینجا را زد و ده بازیکن شهید شدند، داور شهید شد، چند بچه شهید شدند، بعضی از تماشاچیان شهید شدند؛ این حادثه‌ی کوچکی نیست، این حادثه‌ی بزرگی است؛ جا دارد که این جور حوادث در ابعاد جهانی شناخته بشود، گفته بشود، تکرار بشود. این پیام مظلومیت شهدای ورزشکار ما است؛ جرمشان این بوده است که برای [سالگرد پیروزی] جمهوری اسلامی و برای انقلاب، مسابقه تشکیل دادند.

صدام خبیث به پشتوانه‌ی کدام قدرت، یک چنین جنایات صریحی را بی پروا انجام میداد؟ چه کسانی پشتیبانش بودند؟ همان کسانی که این گرگ خونخوار را آن روز پشتیبانی میکردند، امروز دم از حقوق بشر میزنند، امروز خودشان را متولی حقوق بشر در همه‌ی دنیا میدانند! این قدر بی حیائی و بی شرمی در کار این قدرتها هست! چه کسی باید آنها را رسوا کند؟ چه کسی باید این حقایق را بیان کند؟ هنرمندان ما، نویسندگان ما بار سنگینی بر دوش دارند، وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارند. اینها بایستی در قالب‌های هنری عرضه بشود به دنیا؛ باید فیلم بسازند. برای همین قضیه‌ی ورزشگاه باید داستان، فیلم، کتاب، خاطره تولید بشود؛ این کارها باید انجام بگیرد.

یکی از خصوصیات کم نظیر استان ایلام عبارت است از اینکه خانواده‌های دو شهید و سه شهید و چهار شهید و پنج شهید، همین طور تا ده شهیدی که گفتند، در این استان هستند، حضور دارند؛ یک خانواده با ده شهید، یک خانواده با نه شهید، یکی با هشت شهید، چند خانواده با پنج شهید، با شش شهید؛ اصلاً گفتن اینها در زبان آسان است؛ تصوّرش هم انسان را دچار حیرت میکند. ایلام این جوری است؛ از این خانواده‌ها حضور دارند که خب حالا گفتند که بعضی از کسان این خانواده‌ها در این جمع هم حضور دارید که خداوند ان شاءالله همه‌ی شما را مشمول رحمت و لطف الهی بکند.

یکی از خصوصیات دیگر ایلام، حضور همه جانبه‌ی همه‌ی قشرها بود؛ از عالم برجسته‌ی فاضل آنجا، مرحوم آشیخ عبدالرحمن حیدری (رحمة الله علیه) - که در آن بالای میمک هم با ما بود؛ ما که آمدیم، مرحوم آشیخ عبدالرحمن در همه جا [با ما بود]؛ بنده چند بار آدم ایلام؛ چه قبل از ریاست جمهوری، چه بعد از آن، ایشان بودند - که تا حیات داشت در میدان جنگ بود، اسلحه می بست و به معنای واقعی کلمه آماده‌ی رزم بود، تا عشایر متعدّد ایلام، و مردم عادی ایلام؛ عده‌ای که اهل جنگ بودند در میدان حضور داشتند؛ عامه‌ی مردم هم مقاومت [میکردند]. این را که یکی از آقایان گفتند که [مردم] از شهر مهاجرت نکردند، بنده به چشم خودم در شهر ایلام دیدم؛ هواپیماهای دشمن در یک موعد معینی می آمدند پشت سر هم شهر را بمباران میکردند، در آن وقت ایلام خلوت بود، کسی نبود، مردم میرفتند به این بیابانها و جنگلهای اطراف و آنجا بودند، بعد که تمام شد، برمیگشتند به شهر. یعنی این رفتن بیرون شهر و برگشتن به شهر برای مردم یک کار عادی روزمره شده بود؛ اما شهر را ترک نکردند، استان را، خانه را ترک نکردند، ایستادند.

آن وقت در زیر همین بمبارانها و در همین شرایط سخت است که یک نخه‌ی نایفه‌ی مثل شهید رضایی نژاد(۳) تربیت میشود. شهید رضایی نژاد، شهید علم، شهید هسته‌ای که آن چنان رتبه‌ی علمی دارد که دشمن احساس میکند وجود این آدم برای جمهوری اسلامی مایه‌ی ترقی و تعالی است و باید او را از بین ببرند؛ می آیند جلوی همسر و دختر خردسالش را و شهید میکنند. این دانشمند جوان دوره‌ی کودکی اش را در همین بمبارانها و در همین شرایط سخت در ایلام گذرانده؛ یعنی فشار دشمن و فشار جنگ نتوانسته از بُروز استعدادهای این مردم چیزی کم کند؛ این خیلی مهم است. امثال این شهید رضایی نژاد عزیز که شهید علمند و مقامات علمی دارند، اینها مقامات معنوی هم دارند؛ دلپش هم خود شهادت است؛ چون شهادت را به کسی ارزان نمیدهند.

این [کسی] که شهید شد، این که این رتبه‌ی شهادت به او داده شد، این یک مقدماتی در وجود انسان، در باطن انسان، در عمل انسان لازم دارد که بدون این به انسان نمیدهند این رتبه را؛ و این

جوان دانشمند این مقام معنوی را داشت که شهید شد؛ بدون آن نمیشد شهید بشود.

یک نکته ی مهم این است که خب، گفته میشود که استان ایلام سه هزار و اندی شهید تقدیم کرده و استانهای دیگر هم هر کدام به فراخور جمعیت و وضعیت خودشان شهدای زیادی را تقدیم کرده اند. مفهوم شهادت را بایستی ما درست درک کنیم. درباره ی مفهوم شهادت [باید درک کرد که] شهادت فقط قربانی جنگ شدن نیست؛ خب در دنیا کسان زیادی هستند که در جنگهای شورهایشان شرکت میکنند و کشته میشوند؛ بسیاری از آنها هم مثلا برای دفاع از مرزهای جغرافیایی کشورشان، به عنوان یک انسان میهن دوست و میهن پرست این کار را میکنند -البته بعضی مزدورند اما عده ای هم به این عنوان [کشته میشوند]- شهید ما این جور نیست؛ مسئله ی رزمده ی ما که وارد میدان جنگ میشود و حالا یا [کارش] به شهادت یا به جانبازی منتهی میشود یا نمیشود، فقط دفاع از مرز جغرافیایی نیست؛ او در دفاع از مرزهای عقیده، مرزهای اخلاق، مرزهای دین، مرزهای فرهنگ، مرزهای هویت، در دفاع از این مرزهای مهم معنوی وارد میشود؛ البته دفاع از مرزهای جغرافیایی کشور هم چیز بالارزشی است و ارزش محسوب میشود؛ اما آن کجا و توأم شدن آن معنا با این معانی مهم و والای دیگر کجا! [مسئله ی] شهادی ما این است.

از این بالاتر اگر بخواهیم به مسئله ی شهادت نگاه کنیم، شهید ما در واقع مصداق و مظهر «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (۴) است؛ یعنی جان خودش را دارد با خدا معامله میکند؛ شهید این است. یا آن آیه ی شریفه ی «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» (۵) اینها با عهد خود، پیمان خود، با خدای متعال صادقانه رفتار کردند؛ شهید این است؛ یعنی [این] پیمان بستن با خدا است، معامله کردن با خدا است؛ لذا شما می بینید که رزمده ی در میدان جهاد فی سبیل الله با رزمده های متعارف دنیا فرق دارد. در میدان جنگ آن کسانی که شماها که بودید و آن وقت دیدید، حتما مشاهده کردید، بعضی ها هم در کتابها خوانده اید که رزمده ی مؤمن در دوره ی دفاع مقدس، همچنین در برخی از خطوط دفاعی دیگر مثل دفاع از حرم یا امثال اینها، وقتی که در حال مجاهدت در میدان جنگ است، اخلاصش بیشتر از حالت معمولی است، توکلش بیشتر است، تواضعش بیشتر است، مراقبتش از حدود الهی بیشتر است.

در دنیا معمول است که وقتی یک لشکری پیروز میشود در یک شهری، برایشان غارت و چپاول و ظلم و این چیزها یک چیز عادلی است؛ اینجا نخیر؛ اینجا رزمده ی مجاهد فی سبیل الله در میدان جنگ اگر پیروز هم بشود، اخلاصش و رعایت حدود الهی اش اندکی کم نمیشود، بلکه در حال پیروزی، به خاطر شکرانه ی پیروزی، این رعایتها بیشتر هم میشود. رزمندگان ما از دشمن که اسیر میگرفتند، همان دشمنی که اسیر ما را از وقتی که گرفته بود تا داخل آن اردوگاهی که اینها را نگه میداشتند، چند بار کتفه اینها را میکشستند و زنده میکردند، از بس آنها را آزار میکردند -آنجا هم که خب معلوم بود در اردوگاه چه میکنند با آنها- همان آدمها وقتی که اسیر ما میشدند، اگر مجروح بود، رزمده ی ما او را درمان میکرد؛ اگر تشنه بود، به او آب میداد؛ مثل خودش با او رفتار میکرد؛ اینها واقعا یک چیزهای مهمی است.

سبک زندگی اسلامی در رفتار رزمندگان ما و شهدای ما یک چیز برجسته ای است که واقعا نمیشود از این صرف نظر کرد. آن قدر نکته ی الهام بخش در زندگی این شهیدان وجود دارد که واقعا جا دارد یک تصویر هنرمندانه ای از این وضعیت را هنرمندان ما به دنیا نشان بدهند، و رزمده ی ایرانی را بشناسانند به دنیا و با کارهای هنری و بزرگ در مقابل چشم مردم دنیا قرار بدهند.

این یادبودی که شما فراهم کرده اید، بایستی گوش ما را به پیام شهیدان باز کند. شهیدان به ما میگویند: وَتَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ إِلَّا خَوْفًا عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ (۶) این راه، راهی است که خوف و حزن ندارد، ترس و اندوه ندارد؛ راه خدا است دیگر؛ در این راه بایستی ثابت قدم بود، در این راه بایستی با قدرت حرکت کرد، در این راه باید با وسوسه های دشمنان متزلزل نشد. ملت ایران با شنیدن پیام شهیدان باید اتحاد خود، اتفاق خود، انگیزه ی خود، تلاش خود را بیشتر کند؛ پیام شهیدان به ما این است. مسئولین جمهوری اسلامی با شنیدن پیام شهیدان در این بزرگداشتها، بایستی احساس مسئولیت بیشتری نسبت به آن امنیت بکنند که این شهدا برای ما فراهم کردند و در اختیار ما گذاشتند؛ همه باید احساس مسئولیت بکنند و همه هم توجه بکنیم که بدون تلاش، بدون مجاهدت فی سبیل الله، بدون تحمل بسیاری از سختی ها هیچ ملتی به جایی نمیرسد؛ حالا [برای] ما هم اگر چنانچه سختی هایی هست، ان شاءالله تحمل این سختی ها ملت ایران را به اوج خواهد رساند، به قله خواهد رساند.

امیدواریم که ان شاءالله خدای متعال همه ی شماها را موفق و مؤید بدارد و شهدای عزیز ایلامی و همه ی شهدای کشور را مشمول رحمت و مغفرت خودش بکند و امام بزرگوار را که این راه را در مقابل ما باز کرد و این هدایت عمومی را در کشور به وجود آورد، ان شاءالله با اولیائش، با هادیان بزرگ دوران تاریخ، انبیا و ائمه ی معصومین (علیهم السلام) محشور کند و شماها را هم ان شاءالله خداوند موفق کند.

این مطالبی هم که آقایان بیان کردند -این پیشنهادها و درخواست ها- البته عمدتا کارهای دستگاه های اجرایی است، باید به آنها سفارش کرد؛ خود شما ان شاءالله دنبال کنید، ما هم سفارش میکنیم.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته